

ما نیز بپاك اندر سرها بگذاریم
 ناگاه پیا خیزیم از خاك و به بینیم
 دنیای نو و فصل نو و زندگی نو
 مرك است که برهمزن اوضاع زمین است
 بامرك توان رستن از محنت ایام
 زین خارستان ناگه زی باغ گزائیم
 دایم نتوان بود بیکجای نشسته
 ناچار مراین راه را بایست سپردن
 ازاین کجی و راستی ایمن نتوان بود
 اسباب زیان برچین کاینجا نبری سود
 اسباب زیان تو دو چشم است و سرو گوش
 سرچيست یکی محفوظه انباشته از وهم
 تن چيست یکی خمیره که هرگز نشود پیر
 وین قلب بود دیگی در پهلوی آتش
 آسایش جان خواهی آزادی جانجوی
 آزادی جان چيست رهائی زغم تن

وان خاك بدوش ما چون بار گران است
 جان راحت و آوده زرنج و خفقان است
 آسودگی و امن گران تا بگران است
 مرك است که پیچنده طومار زمان است
 « آنجا که عیان است چه حاجت به بیان است »
 آری وطن خاکی ما خارستان است
 هرگز نشود فاسد آبی که روان است
 یکروز چنین بوده و یکروز چنان است
 در برج گهی میزان گاهی سرطان است
 ای آنکه دلت در گرسود و وزیان است
 قلب است و حواس است و لب و کام و دهان است
 کز روزنه چشم بعبرت نگران است
 گه تشنه آب است و گهی در پی نان است
 کز جوش خون روز و شب اندر غلبان است
 کاسایش جان بسته با آزادی جان است
 آری غم تن سلسله پای روان است

آرزو که آسوده شود از خطر جسم

جان بهره‌ور از نعمت امن است و امان است

کیمیا در اسلام

حضرت استاد در شماره ۳ سال ۸ ارمغان مقاله ای بعنوان کیمیا در اسلام

نوشتیم و بشرح حال جابر پرداختم نظر باینکه پس از جابر بزرگترین استادان

کیمیادان طغرایی است که در شماره ۲-۳ امساله ارمغان نامی از وی برده شده مناسب دانستم قسمتی که مربوط بموضوع مقاله فوق است خدمتتان ارسال دارم

یکی از حکمای اسلام که در کیمیا اشتهار بسزائی دارد ابو اسمعیل مؤید الدین حسین طغرایی اصفهانیست (۱) طغرایی علاوه بر مقام مهمی که در سیاست و ادب دارد در علوم قدیمه مخصوصا طبیعیات و شعبه مهم آن که کیمیات دارای تالیفات بسیار و مهم است و حکمای بزرگ کتب او را مورد مطالعه قرار داده و بشرح مشکلات آنها پرداخته اند

جلد کی در کتاب نهایه الطاب ویرا بدینگونه می ستاید (ولعمری ان الطغرایی رحمه الله تعالی من اساطین حکماء الاسلام وعظمائهم ولم یکن بعد جابر فی العلم غیر مثله لبراعة لسانه واکثرة حفظه وملازمة درسه و اشراق نور عقله فانه افاد بکثرة اطلاعه امورا جليلة مهمة فی هذا العلم) نیز در همین کتاب بسخنان بسیاری از او استشهد کرده و بشرح مشکلات آنها میپردازد

سپس میگوید ان الطغرایی سلك الحکمة فی قوالب لائقة والفاظ راقية وعبارة عالیة وملكة سامیه وهدیه دقیقه وعلوم بدیهة واطهر الحکمة علی قوانین المنطق والاعتبار و ذکر من المطابقة ما عنی عنه ومن التضمن ما لا بد منه ومن الالتزام ما اشار الیه من کدل رمز اومی الیه و عول فی مقصده علیه

طغرایی را علاوه بر دیوان اشعار نغز عربی در فن کیمیا چندین تألیف است ۱- حقائق الاستشهاد این کتاب را در رد سخنان شیخ الرئیس ابن سینا نوشته است نظر باینکه شیخ اثر کیمیارا قلب ماهیت و انرا محال میدانسته در

(۱) برای شرح حال وی رجوع شود ۱- وفيات الاعیان ج ۱- صفحه ۱۷۵ ۲- مقاله آقای

مدرسی در صفحه ۱۰۶ سال ۲۲ ارمغان ۳- آثار الشیبة الامامة ص ۵۰

کتاب نفیس و مشهور خود شفاء نظریه خود را با دلائل علمی ثابت نموده است (۱) طفرائی آن مطالب را مورد بحث قرار داده و پس از تجلیل و اظهار بزرگواری شیخ آنها را با کمال ادب جواب داده است فصاحت این کتاب باندازه ای است که گاهی عبارت شفاء و از آن طفرائی را نمیتوان از هم تمیز داد گوئی شیخ - رئیس است که بر مطلبی اشکال کرده و برد آن میبردازد

۲- جامع الاسرار این کتاب دو جزو است و پیش از حقائق آنرا تالیف کرده زیرا در حقائق از آن نام میبرد این کتاب در دستورات کلی راجع به کیمیا گریست و سراسر آن از لطائف ادبی مشحون است گویند این کتاب برای شفاخص حکیم بکار آید و مبتدیان را سودی نبخشد جلد کمی مطالب بسیاری ازین کتاب را در مؤلفات خویش آورده و از آنها استفاده کرده و آنها را شرح نموده است (۲)

۳- مفاتیح الرحمه و مصابیح الحکمه که آقای مدرسی بان اشاره کرده و آن را مفاتیح الحکمه گفته است تالیف مشهور طفرائی است و خودش این کتاب را در جامع الاسرار ستایش کرده میگوید - ان ظفرت به ما یحتج الی غیره بیانا و اوردا فی کلام نیف و ستین حکیمیا اکثرهم من القدماء فجد فی طابه انک تطلع منه علی مذهب کل قوم و تعلم انه کتاب لم یصنف مثله ولم تسمع به نفس احد قبلنا من الجماعة وقد فسرت فی کلام بلنیاس علی غموضه و عدّه من کتب جابر رحمه الله

در کتاب حقائق الاستشهاد گویند استشهد نافی کتاب فی مفاتیح الرحمه

(۱) شیخ رئیس در اواخر عمر بصحبت کیمیا گری اقرار کرده و در راه یکی در جواب یکی از کیمیا گران و دیگری بنام شمسیه تالیف کرده که این هر دو در کتابخانه اینجانب موجود است و ساله نخست را کسی شرح نموده است و هر سه عربی میباشد

(۲) این در تالیف که جزء کتابخانه مرحوم سید صدرالدین کاشف بوده اکنون در دسترس اینجانب است

بکلام ستین حکیمما واستشهدنا باقوالهم وهو کتاب لم یصنف مثله قدیما ولا حدیث

۴- مقاطع که دارای قطعاتی بوزنهای گوناگون میباشد ولی جنبه ادبی چندانی ندارند خود طفرائی چند قطعه را در جامع الاسرار آورده جلد کو و دیگران نیز بانها استشهاد کرده اند

۵- ذوات الفوائد ۶- طفرا الشریفه که فارسی و دارای اشعار نستعلیق است و اول آن اینست چار عنصر هست اندر یک حجر آنکه بسیار است در وی از ثمر این قصیده را شرحی است (۱) که آنرا ندیده ام نظر باینکه اشعار فارسی طفرائو در دست نیست این قصیده یکی از بزرگترین ادبای ایران را که فقط در ادبیات عرب فامبردار است برده شعرای فارسی اضافه میکند و ازین بحث آرایسو گرانها باید دانست ۷- اسرار الحکمه ۸- رساله خاتمه ۹- الارشاد الی الاولاد (۲) ۱۰- تراکیب الانوار طفرائی مانند سائر شعرا که از روزگار شکایت بسیار دارند از دست تنگی و ناداری شکایت دارد در لایه گوید

ارید بسطة کفی استعین بها
والدهر یعکس آمالی و یقنعنی
علی قضاء حقوق للعلی قبلی
من الغنیمه بعد الکد بالقل

ولی در جای دیگر گوید ولكن الا کسیر فی جنب ما وهبنی الله تعالی انجر بیسیر
بامراجعه بمؤلفات طفرائی معلوم میشود که مقام علمی وی چندان بلندست وزارت و شاعری را نوعی از تفنن برای او باید دانست و باید اذعان کرد که این حکیم بزرگوار نیز مانند بسی دانشمندان دیگر مجهول القدر بود تا کشته

(۱) در کتابخانه خدیوی مصر کتاب نفیسی است دارای تالیف بسیاری از کیمیا گران (قریب پنجاه رساله) که قسمتی از آن بنام (مختارات من رسائل جابر) در مصر چاپ شده و نسخه آن در کتابخانه مجلس شوری موجود است در سال ۱۳۱۷ که فاضل متیجر آقایی محمد تقی قمی که در جامع ازهر مدرس استادی داشت خلاصه کتاب فوق را که مربوط و مفید باینمقاله است استکتاب برای من فرستادند کتاب

ذوات الفوائد و طفرا الشریفه جزء کتاب مزبور میباشد

(۲) این سه رساله و مفاتیح در کتابخانه مجلس شوری موجودند